

بررسی و مقایسه تطبیقی طشت آبهای قبور در آرامگاه‌های تخت فولاد و آرامنه اصفهان

اکبر شاهمندی*

کارشناسی ارشد هنر (پژوهش هنرهای سنتی)، اصفهان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۱۳)

چکیده

هنر، معماری و ادبیات ایران و جهان مملو از آفرینش‌هایی است که با کمک نمادها و نشانه‌ها در جهت تقدس و احترام گذاشتن به طبیعت و عناصر آن عمل می‌نماید. اسطوره‌های آب‌حیات، چشمه‌های مقدس و معابد تقدیس آب از دنیای کهن و سنگاب‌ها و سقاخانه‌ها از دوره‌های اخیر، همگی توجه به عنصر آب را متذکر می‌شوند. «طشت‌آبها» با حجاری و تزیینات زیبا، از دیگر اشکال نمادین هستند که گرچه روی قبور حک شده و با مفهوم مرگ و نیستی در ارتباطند، اما در واقع عنصر حیات را درون خود جای داده و با معنای عمیق زندگی و مراتب قدسی عجین شده‌اند. حضور متعدد و متنوع طشت‌آبها در آرامگاه تخت فولاد و آرامنه که هر یک در جایگاه خود جزء مهم‌ترین آرامگاه‌های ایران محسوب می‌شوند، قابل توجه و تامل است. ارتباط مستمر و تعاملات این دو قوم از زمان‌های کهن، قرابت ادیان توحیدی و همبستگی انسان با طبیعت، اشتراکات فرهنگی و هنری بسیاری را باعث شده که برخی از آنها در قالب نقوش قبور و بویژه طشت‌آبها جلوه‌گر می‌شود. این پژوهش در پی آن است با مطالعه‌ای تحلیلی و تطبیقی، ریشه‌های شکل‌گیری و معانی مرتبط با طشت‌آبهای قبور را در فرهنگ ایرانی و ارمنی مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی

طبیعت، آب، آرامگاه تخت فولاد و آرامنه، سنگ قبر، طشت‌آب.

مقدمه

بزرگداشت و احترام به اموات، نثار آب و گل به روح متوفی، قرار دادن ابزار مختلف در گورها و اجرای مراسم قربانی، در گستره حقیقت مرگ قرار گرفته و ریشه در تمایل انسان به جاودانگی و حیات ابدی دارد. بر پایه این تفکر، مزار انسان نیز پیش از آنکه گویای مرگ انسان باشد، نشانه زندگی انسان است.

در میان عناصر طبیعت، آب، هم نماد زندگی و هم سمبل مرگ و حیات مجدد است و گاه با زندگی جاویدان ارتباط می‌یابد. اسطوره «آب حیات^۲» یا «چشمه حیات»، داستان‌های حضرت خضر و الیاس و روایت‌های اساطیری چون «گیل گمش» و «آشیل» به خوبی این نزدیکی را یادآور می‌شوند. معابد تقدیس آب، چشمه‌های مقدس، سنگاب‌ها، حوض‌ها و همچنین «طشت آبها» بیانگر ارزش و جایگاه طبیعت در زندگی بشری هستند که حضور آنها در آرامگاه‌ها و پهنه سنگ قبور نیز بسیار قابل توجه و ملموس است زیرا با حضور طشت آبها و روشن شدن شمع بر روی قبور، چهار عنصر طبیعت در یک قالب منسجم و نمادین، هویت واقعی و مقدس خود را می‌یابند. عناصر طبیعت به شکلی نمادین و در فضایی مقدس حضور می‌یابند تا گوشه‌هایی از حقایق جهان هستی را بر ما آشکار کنند و چه مکانی بهتر از آرامگاه که اگر با تفکر عمیق بدان نگرسته شود، مناسب‌ترین مکان برای آرامش و پرواز روح انسان خواهد بود. اما شناخت و تعبیر آنچه بر پهنه سنگ‌های قبور نقش بسته، کار چندان ساده‌ای نیست؛ از یک سو فاصله‌ای که بین ما و خالقان نقش‌های قبور از نظر زمان و گسست معرفتی وجود دارد و از سویی تنوع نگاره‌ها که هر کدام تعبیرات خاص خود را دارند و بالاخره در نبود منابع مکتوب و رسالتی که به فلسفه و چرایی حضور اینگونه از آرایه‌ها اشاره کنند، راه تفسیر را دشوار می‌سازد. لذا برای رسیدن به تعبیر منطقی و صحیح، پس از معرفی طشت آب، با مطالعه‌ای تحلیلی و تطبیقی، ریشه‌های شکل‌گیری و موارد مشترک مرتبط با این عنصر (از جمله جایگاه عناصر اربعه، باور مرگ و اشتراکات فرهنگی) را در دو فرهنگ و آیین ارمنی-مسیحی و ایرانی-اسلامی مورد بررسی قرار داده و در پایان با کمک تصاویر به اشتراکات معنایی و صوری موجود در نقش و فرم طشت آبها پرداخته خواهد شد. این پژوهش سوالات و فرضیه زیر را پیگیری می‌کند:

- روند شکل‌گیری طشت آبها و پیوندشان با عناصر طبیعت و مظاهر تقدس آنها در ارتباط با سنت‌های آرامگاهی چگونه است؟
- اشتراکات فرهنگی و هم‌نشینی ایرانیان و ارمنه چه تاثیری در شکل‌گیری و تشابهات موجود در طشت آبها داشته است؟
- طشت آبها منحصر به فرهنگ ایرانی-اسلامی نیستند و از یک بینش و تفکر جهانی پیرامون عناصر طبیعت سرچشمه می‌گیرند.

به نظر می‌رسد اسطوره‌ها، آیین‌ها و آفرینش‌های اولیه، در اثر توجه انسان به جهان پیرامون و وابستگی بشر به طبیعت و عناصر اصلی آن (آب، باد، خاک و آتش) شکل گرفته باشد. انسان نخستین نیاز داشت که طبیعت را بشناسند و رموز آن را کشف کند. او به یاری اسطوره‌ها، طبیعت و رازهای آن را به گونه‌ای نمادین و تمثیلی توجیه می‌کرد و برای مظاهر طبیعت، نشانه‌ها و ایزدان خاصی را در نظر می‌گرفت (اسماعیل پور، ۱۳۸۷، ۱۹). از سوی دیگر «اکثر آیین‌های کهن همبستگی جاودانه‌ای با عناصر اربعه دارند و در هر جشنی آهنگی موزون از آفرینش، تقدیس، پرستش، سوزاندن و یا غسل دادن وجود دارد. انسان ما قبل تاریخ، احتمالاً طبیعت را در قالب هنری آن مجسم می‌کرده، چرا که بدین واسطه سود و فایده فراوانی نصیب خود نموده و با اعتقاد به سحر و جادو بر مشکلات طبیعت چیره می‌شد» (مالا، ۱۳۸۴، ۲۸۸).
«در میان اقوام کهن ایرانی نیز پرستش عناصر طبیعت رواج داشته است و گاه خدایانی با اسامی یکسان و مشابه پرستیده می‌شدند که در میان آنها خدایان آتش، آسمان و الهه آب بیشترین اهمیت را داشته‌اند. از قدیمی‌ترین نقش برجسته‌های ایلامی، صحنه بارعام خدایان آنها می‌باشد که یک آتشدان فروزان در مقابل ایشان قرار دارد و ظرفی که آب زندگی از آن خارج می‌شود در دست خدای ایلامی دیده می‌شود» (آزاد، ۱۳۸۴، ۴-۲). در فرهنگ ارمنه نیز از ایام باستان، توجه به عناصر اصلی طبیعت، حضوری پر رنگ داشته و اجرام آسمانی، آب، آتش و صخره‌ها پرستش می‌شدند. از سوی دیگر برگزاری مراسم‌های مذهبی همچون «جراور هنگ» «عید تقدیس آب» و عید «وارداوار»^۱ از دوره مسیحیت، اشاراتی به ارزش و تقدس عناصر طبیعت در نزد ارمنه است (نوری زاد، ۱۳۷۶، ۱۹۵-۱۹۷). «در حکمت اسلامی، عالم، جوهری مجرد و نورانی است که در اصالت وجودی خود هیچگونه تجسم مادی ندارد اما در سیر نزولی خود از کلمه نخستین تا انسان، آرام آرام از تجرد فاصله گرفته و در نهایت به جسم و شکل‌گیری کائنات منجر می‌شود و این عالم در چهار عنصر هوا، آب، خاک و آتش خلاصه می‌گردد» (بلخاری، ۱۳۸۳، ۵۰-۲۶).

از سوی دیگر، طبیعت و مرگ ارتباط تنگاتنگی با هم دارند زیرا هر دو زندگی دوباره را نوید می‌دهند، هر لحظه در حال تکثیر و نوزایی هستند و بخش بزرگی از فلسفه هستی را در بر می‌گیرند. فلسفه مرگ و زندگی نیز به مانند طبیعت، از رموز هستی و جزء اعتقادات مشترک در تمامی ادیان و تمدن‌های بزرگ بشری است. وجود خدایان مرگ و حیات در اساطیر جهان، آثار به جای مانده بر دل غارها و صخره‌ها، ادبیات و داستان‌های رایج در میان فرهنگ‌ها و آموزه‌های دینی، همگی گوشه‌هایی از توجه انسان به این موضوع است. همچنین آیین‌های

۱- طشت آب

مختلف هندسی ایجاد شده‌اند. طشت آبها چنانکه از اسم آنها بر می‌آید محل تجمع آب و از عناصر تزئینی و معنایی قبور هستند که در دل

«طشت آب» عنوانی است برای نقوش حجاری شده بر قبور قدیمی که اغلب به صورت حوضچه‌های کوچک یا بزرگ و به اشکال

همچون آهویی تشنه به دنبال آب تازه است (مزامیر ۲-۳-۴۲). روح چون زمین خشک و تشنه‌ای است که به طرف آب جهت می‌گیرد و منتظر ظهور خداوندی است (مزامیر ۲-۳۲). این مطالب هم در گفتار شفاهی عامه مسلمانان و نیز در افواه آرامنه مسیحی، پذیرفته و تأکید شده است. حتی در میان آرامنه اینگونه نقل می‌شود که در گذشته نه چندان دور برای شفای بیماران از آب همین طشت‌آبها که برایشان متبرک بود، استفاده می‌شد. انسان عصر سنت به عناصر طبیعت تمسک می‌جست و در آنها نیرویی مقدس را می‌دید که می‌توانست شیاطینی که باعث بیماری روحی و روانی او شده‌اند از جان و تن بیرون کند. مورد اخیر را با چشمه آب حیات نیز می‌توان پیوند داد که در فرهنگ‌های مسیحی و اسلامی معانی و مفاهیم پُر بار و مشترکی را در پی دارد.

۲- مفاهیم مرتبط با طشت آب

۲-۱- فنجان نماها

شاید قدیمی‌ترین ریشه پیدایش طشت‌آبها را بتوان در فرم و کارکرد «فنجان نماها» جستجو کرد. فنجان نما به گودی‌های ایجاد شده بر روی تخته سنگ‌ها (توسط انسان و گاه به دست طبیعت) گفته می‌شود که از کهن‌ترین و گسترده‌ترین آثار موجود در میان سنگ‌نگاره‌های جهان و از جمله ایران و ارمنستان هستند. به نظر می‌رسد فنجان نماها هم برای امور روزمره و هم برای کارکردهای آیینی و در مکان‌های مقدس حکاکی شده و به مرور، ابعاد آنها تغییر کرده و تزیینات مختلفی از جمله نقوش جانوری و نمادین نیز به آنها اضافه و آنها را متنوع کرده است. نگهداری آب، روغن مقدس و دیگر مایعات اولین کاربردها بوده و در گذر زمان از آنها به عنوان عنصری نمادین جهت اجرای مراسم عصاره‌گیری از گیاهان مقدس استفاده شده است (تصویر ۱). حتی توجه و دغدغه انسان اولیه نسبت به آسمان و ستارگان نیز در فنجان نماها قابل بررسی است چنانچه برخی از صور فلکی با حجاری این عناصر بر روی صخره‌ها تصویر شده‌اند. انسان‌های اولیه شیره گیاهان مقدس را درون فنجان نماها می‌ریختند و در کنار



تصویر ۱- فنجان نما، اصفهان.
ماخذ: (ناصری فرد، ۱۳۸۸، ۲۲۱)

سنگ قبرها کنده شده و در فرم‌های زیبا و متنوع همراه با نقوش دیگری چون درخت، ماهی و فرشته ارائه می‌شدند. دهخدا در لغت‌نامه طشت‌آب را اینگونه معرفی می‌کند: «تشت (فارسی) و طشت (عربی)؛ ظرف فلزی بزرگ و سنگین که گودیش کمتر از لگن است و در زبان اوستا تشته (ظرف)، پهلوی تشت و ارمنی «تاس» نام دارد چنانکه «تشت‌آتش» کنایه از خورشید می‌باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۷۴۶).

طشت‌آبها تنها به ایران و جهان اسلام مربوط نمی‌شوند بلکه آنها از یک تفکر و نگرش مشترک جهانی در تمدن‌های مختلف بویژه مشرق زمین بهره‌مند هستند بطوریکه اینگونه نقوش گذشته از تخت‌فولاد با تعدد و تنوع فراوان در آرامگاه‌های آرامنه اصفهان، یهودیان و حتی خاور دور نیز وجود دارند. طشت‌آبها هم عنصری کاربردی و هم دارای ویژگی‌های معنایی هستند که گرچه به لحاظ شکلی و تصویری گاه ساده به نظر می‌آیند، اما این اشکال پر رمز و راز با یک ساحت مقدس و جاودان در ارتباط هستند که به تدریج با مفاهیم زیباشناسانه عجین شده‌اند. به گفته تیتوس بورکهارت، «هنرمند سنت‌گرا در پناه و ظل حمایت دور و تسلسل سحرآمیز شکل مقدس، در عین حال همچون کودکی و همانند مردی فرزانه هنر می‌آفریند چون الگوهایی که نقش می‌کند به معنای رمزی و از لحاظ نمادی، سرمدی یعنی ازلی و ابدی است» (بورکهارت، ۱۳۹۰، ۱۹۴).

طشت‌آبها که جایگاه ویژه‌ای در برخی از قبور گذشتگان داشته‌اند، در دل سنگ قبور کنده می‌شدند و در فرم‌های هندسی زیبا و متنوع همراه با عناصری چون ماهی و فرشته ارائه می‌شدند و در عین حال پیوند تنگاتنگی با سنگ‌ابها، حوض‌ها و سقاخانه‌ها داشتند. اصولاً طشت‌آب می‌بایست در اندازه‌های حجاری و کنده‌کاری شود که گنجایش حجمی از آب در آن لحاظ گردد و لذا نباید اشکالی که به صورت اتفاقی و یا با کاربردهای دیگر بر سنگ قبور حک شده‌اند را با طشت‌آبها یکسان تلقی نمود. همچنین در طشت‌آبها می‌توان رد پای طلب امید به رحمت، مغفرت، آرزومندی و رستگاری برای متوفی را مشاهده نمود. نقوش ماهی، گل و گیاه در طشت‌آبها هنگامی که آب در آن می‌نشیند معنایی جز این نمی‌تواند داشته باشد. در وجه دیگر باید گفتارهای شفاهی زائران و توده مردم را پیرامون طشت‌آبها لحاظ نمود. پندارهای عامیانه گرچه محل تحقیق و چون و چراست، اما گاهی می‌تواند رهیافتی مناسب برای رسیدن به معنا باشد و هیچ پژوهشگری از آن بی‌نیاز نیست. در باور عامه، طشت‌آب محل ریختن آب بر روی قبور است (یا به دست انسان و یا به وسیله بارش باران) بدان منظور که حیوانات و پرندگان و حتی حشرات از آن بیاشامند و از این راه ثوابی به روح متوفی برسد که آمرزیده شود یا سهم بیشتری از رحمت الهی نصیبش گردد (راوندی، ۱۳۶۳، ج ۶، ۲۳۰).

تأکید گفته عوام بر پرنده است که گاه سمبل و نمادی از روح می‌باشد که سیال است و رها و می‌تواند به هر کجا پرواز نماید. در برخی روایات نقل شده که گاهی روح انسان در هیات پرنده یا جانوری تشنه در می‌آید و به دنبال سیراب کردن خویش است و پرنده‌ای که از آب طشت‌آب می‌نوشد، می‌تواند روح همان متوفی باشد. در معراج السعاده آمده است که روح متوفی در عصر جمعه بسان پرنده‌ای بر شاخساری به منزل خود می‌آید (نراقی، ۱۳۸۵، ۵۶). روح به جستجوی خدای خود

شمع (هنرفر، ۱۳۴۵، ۱۶). چندان که حوض‌ها و حوضچه‌ها در ادیان کهن وجود داشته‌اند اما به نظر می‌رسد که سنگاب‌ها تاریخ جدیدتری دارند و آنها از این نظر دست کم متعلق به دوران اسلامی‌اند چرا که نمونه سنگاب‌های موجود، اغلب مزین به خطوط و نقوش اسلامی هستند و نمونه‌های ساده آنها نیز به جز در مساجد و اماکن اسلامی در جای دیگری یافت نشده‌اند. سنگاب‌های اصفهان فقط به مسلمانان اختصاص نداشته، چنانچه آرامنه نیز سنگاب‌هایی داشته‌اند و اینک یکی از آنها در موزه کلیسای وانک نگهداری می‌شود. تأثیر پذیری سنگاب از طشت آب در قبور آرامنه نیز وجود دارد و به نظر می‌رسد در سیر تحولات و در روند مدرن شدن قبور آرامنه (تبدیل نقش به حجم)، طشت آب‌های قبور به سنگاب‌های کنار قبور تبدیل شده‌اند.

۳- اعتقادات و باورهای مشترک دینی و قومی ایرانیان و آرامنه

۳-۱ هم‌نشینی ایرانیان و آرامنه

گفته شده است که «هیچ قوم و ملتی به اندازهٔ ارمنیان به ایرانیان نزدیک نیستند» (احمدی، ۱۳۸۸، ۹۳). ایرانیان و آرامنه هر دو از جمله اقوام هند و اروپایی محسوب می‌شوند که از چند هزار سال پیش تاکنون همواره در کنار هم حضور داشته و بر فرهنگ و هنر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. این دو قوم کهن به واسطهٔ اشتراکات فراوان نژادی و فرهنگی، به خوبی در جوار هم زندگی کرده‌اند و بویژه از دوره صفویه و با کوچ آرامنه به ایران این نزدیکی‌ها و تشابهات بیشتر نیز شده است. از جمله این اشتراکات فرهنگی و مذهبی می‌توان به جشن‌های «وارداوار»، «ناواسارد» و «درنیز» اشاره کرد که اغلب پیرامون احترام به آب تمرکز دارند.

آرامنه، بخصوص آرامنه جلفای نواصفهان، طی حضور در ایران، ارزش‌های فرهنگی مختلفی را باعث شدند؛ فرهنگی که همراه با آداب و رسوم خود از ارمنستان به ایران آورده و در این دیار به حفظ و رشد آن همت گماشتند. هنرمندان و بزرگان آرامنه ایران آنچه را با فرهنگ و مذهب، سلیقه هنری و روحیات آنان قرابت داشت، از ایرانیان گرفته و به هنر و تمدن خود شکوهی تازه بخشیدند. در قرون هفدهم و هجدهم م، جلفای اصفهان کانون دانش و هنر آرامنهٔ ایران بود. تولید نسخه‌های خطی و چاپ سنگی، مینیاتور، زرگری، قالی‌بافی از جمله فعالیت‌های هنری آرامنه در آن دوره بود (فوکاسیان، ۱۳۵۲، ۳۵۱-۳۴۸). ارمنیان جلفای قدیم با مهاجرت به اصفهان، هنر و سنت حجاری خود را نیز به جلفای نو منتقل نمودند چنانکه هنر حجاری بر روی سنگ‌قبور در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی (۱۲ و ۱۳ هجری) استمرار سنت ساخت «خاچکارها» در جلفای قدیم است (بابائیان، ۱۳۸۶، ۱۷۱-۱۶۹).

۳-۲ باور مرگ و تجلی آن در طشت آب

به نظر می‌رسد در جهان باستان، مصریان بیش از دیگر ملل، مرگ را مورد توجه قرار داده و عقیدهٔ حیات پس از مرگ را با فراهم آوردن وسایل مورد نیاز متوفی به وضوح آشکار نموده‌اند. مرگ در آیین مسیحیت مبتنی بر جهان برزخ، رستاخیز، داوری الهی و بهشت

چشمه‌های مقدس، ضمن برپایی آیین‌های خاص مثل روشن نمودن آتش، برآورده شدن آرزوهای خود را تمنا می‌کردند (ناصری فرد، ۱۳۸۷، ۱۵۰-۱۴۸). مشابهت فنجان‌نماها با طشت آبها و سنگاب‌های طبیعی حداقل از لحاظ فرمی و کارکردی حائز اهمیت است و ما را به واکاوی سرمنشأ طشت آب‌ها نزدیک‌تری کند.

۲-۲ آیین میتراثیسم

گذشته از آنکه آب در تمامی فرهنگ‌ها ارزش خاص خود را داراست اما تا آنجا که به عصر باستان باز می‌گردد، تأثیر و ردپای آیین ایرانی میتراثیسم، می‌تواند در شکل‌گیری طشت آب قابل تأمل باشد. از قدیم الاّیام فرهنگ و مذهب ایرانیان در ارمنستان نفوذ داشته و در دوره اشکانیان آیین مهرپرستی در میان آرامنه و بسیاری از تمدن‌های آن زمان طرفدار داشت و به گفته برخی محققان، کیش و آیین پیش از مسیحیت آرامنه، آیین مهرپرستی بوده است. در گاه‌شماری ارمنستان باستان، هشتمین روز ماه، «مهر» نام داشت و هفتمین ماه سال، «مرگان» یا «مهرگان» نامیده می‌شد که در تقویم باستانی ایرانیان جشن مهرگان برگزار می‌گردید (هوویان، ۱۳۸۴، ۹۹-۹۴). در آیین میتراثیسم، آب از ارزش معنایی فراوانی برخوردار بوده و مهم‌تر آنکه مفاهیم حوض یا حوضچهٔ آب، جنبهٔ نمادین و کاربردی داشته است. در معابد میتراثیسم، نمازخانه‌هایی مخصوص پرستش هر یک از عناصر اربعه وجود داشته است. همچنین در جلوی مهرابه‌ها و بر روی مصطبه، طشت آبی تعبیه شده بود و مهرپرستان به وسیله آن غسل تعمید می‌کردند. درجات سلوک در آیین میتراثیسم به صورت نمادهای هفت‌گانه (کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، پیک خورشید، پیر) مشخص می‌گشت که همسر، نمود عنصر آب، کلاغ نماد هوا، سرباز معرف عنصر خاک و شیر هم‌گویای عنصر آتش بوده است. در واقع کسی که در مراسم مهرپرستی شرکت می‌جسته در مرحله‌ای از مراحل تشریف می‌بایست از میان تمام عناصر اربعه عبور کند (رومان، ۱۳۸۷، ۱۸۸-۴۱)، که این امر خود اهمیت و ارزش طبیعت و عناصر تشکیل‌دهنده آن را در این آیین یادآور می‌شود.

۲-۳ حوض‌ها، سقاخانه‌ها و سنگاب‌ها

آب در فضای معماری کارکردهای گوناگونی دارد که از آن جمله می‌توان به کارکرد آشامیدن، بهداشت، حظ بصری و نقش آیینی و نمادین آن اشاره نمود. سقاخانه‌ها در دوران اسلامی، یادگار و استمرار از احترام به آب و آتش در اعصار باستانی ایران است که وظیفه سیراب نمودن تشنگان را نیز بر عهده دارد. در مجموع سنت احترام به آب و روشنایی در ایران پیش از اسلام بدون کوچکترین مخالفتی در دوره اسلامی نیز ادامه یافت.

نوشیدن آب از سقاخانه، طلب نور، روشنایی و گره‌گشایی از امور است (دادیه، ۱۳۷۸، ۳۴). نیت ادای احترام و قدردانی از عنصر آب و دفاع از مظلومیت و تشنگی غمبار امام حسین (ع) در هم ادغام شد و شالوده پیدایش نخستین سقاخانه‌ها و سنگاب‌ها در ایران با نام امام حسین و ابوالفضل عباس آغاز گردید که در آن نیت سیراب کردن تشنگان، گرفتن پادشاه اخروی و رفع حاجت به طرق مختلف نمودار بود. در سقاخانه‌ها آب در درون سنگاب‌ها یافت می‌شد و آتش در روشن نمودن

ارامنه نیز از دوران باستان با عنصر سنگ و نحوه استفاده آن در هنر و معماری آشنایی داشتند و در دوره‌های بعد هنر حجاری خود را تا مرز یک میراث ارزشمند جهانی ارتقاء دادند که نمونه آن را می‌توان در کتیبه‌های اورارتویی، کلیساهای سنگی ارامنه، قوچ و اسب سنگی و از همه مهم‌تر در خاچکارهای نفیس و همچنین قبور با سنگ‌های بسیار حجیم مشاهده نمود.

آیین پرستش آتش در ارمنستان کهن تأثیراتش را از دین زرتشتی و آیین میترائی گرفت و احترام به عنصر آتش در دوره مسیحیت و حتی حضور ارامنه در ایران نیز تداوم یافت (همان، ۲۰۰). روشن نمودن شمع و سوزاندن اسپند و کندر در مکان‌های دینی و مقدس، از دیگر رسوم ارامنه و ایرانیان است. «هنوز هم در نقاطی از ایران به جهت دفع جانوران موزی و ارواح خبیث، بر روی قبور آتش روشن می‌شود و این رسم نزد زرتشتیان تا سه روز ادامه دارد» (رضی، ۱۳۹۱، ۱۷۱). ارامنه در کلیساهای و آرامگاه‌هایشان و مسلمانان نیز در سقاخانه‌ها و روی مزارات از عناصر اربعه جهت برآورده شدن حاجات و احترام به متوفی استفاده می‌کنند و لذا بر روی قبور علاوه بر طشت‌آب، محلی نیز برای قرار دادن شمع و سوزاندن کندر در نظر گرفته شده است. کندر سوزهای ارامنه عموماً در بالای پیشانی سنگ و جدا از سنگ قبر تعبیه شده‌اند از این رو نباید طشت‌آب را محل سوزاندن اسپند یا کندر تلقی نمود.

۴-۳ اسطوره قربانی و آیین جرعه افشانی

یکی از آیین‌های مشترک تمامی ادیان و تمدن‌ها، مراسم قربانی کردن است که ریشه در اعماق زندگی چندین هزار ساله بشری دارد و ایرانیان نیز به آن پایبند بودند. گرچه در برخی فرهنگ‌های باستانی، آدمی برای پیش‌کشی به خدایان قربانی می‌شد، اما رفته رفته و با رشد تفکر بشری و پیدایش ادیان توحیدی، قربانی‌های انسانی جای خود را به قربانی کردن حیوانات داده و به مرور زمان، آب و شراب جایگزین خون شد. آب به عنوان مایه زندگی و ماده اصلی حیات، نثار می‌شد که گونه‌های مختلف آن (پاشیدن آب پشت سر مسافر، شستن قبور با آب و عطر و جشن‌های آب‌پاشی) هنوز هم نزد ایرانیان و ارامنه مرسوم است. شراب به عنوان خون انگور و خون زمین برای نزدیکی به خدایان، نثار می‌شد و اعتقاد بر این بود که روان نیاکان و خدای زمین همواره در زندگی انسان حاضر و ناظر هستند و بدین وسیله سیراب می‌شوند. حافظ به زیبایی این سنت کهن را یادآور می‌شود:

اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک
از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک

یهودیان هم از قدیم هنگام عبادت کردن و زیارت قبور به افتخار روان درگذشتگان بر مزار آنها جرعه افشانی می‌کردند و از این جهت جام‌های کوچکی را برای ریختن شراب و آب بر سر گورها می‌نهادند (مصطفوی، ۱۳۶۹، ۲۵-۵). طشت‌آبهای حک شده بر قبور به نظر از این آیین‌ها تأثیرات زیادی گرفته و در سیر تاریخی خود از جام به یک فضای خالی بر سنگ قبور تبدیل شده‌اند.

و دوزخ است. وجه تمایز آیین مسیحیت در همه فرقه‌های آن و از جمله مسیحیت «گریگوری^۷» با ادیان الهی دیگر، تاکید محوری بر شخصیت مسیح (ع)، اسطوره رنج، مصلوب شدن، رستاخیز و شعائر مرتبط با وی است. چهره مسیح و ترسیم دوره‌های زندگی وی و به صلیب کشیدنش، نقش مهم حضرت مریم (ع)، فرشتگان و حواریون از جمله مظاهر این اعتقاد برای سامان بخشیدن به حیات دنیوی و اخروی است (مولند، ۱۳۸۰، ۱۲۷-۱۰۰).

مرگ از دیدگاه عرفان و اندیشه اسلامی، تنها گذرگاهی به سوی جهان غیب، گامی به مرحله کامل‌تر زندگی و آغاز حیاتی تازه می‌باشد. در همین راستا، قرآن کریم با آیات متعدد، حقیقت مرگ و حیات پس از آن را به انسان‌ها متذکر می‌شود. ادیان بزرگ الهی از یک سرچشمه معنوی نشأت گرفته و در باب مفهوم مرگ و زندگی، اعتقادات و برداشت‌های مشابهی دارند. این اعتقادات، باعث خلق آثار فراوان ادبی و هنری شده که گرچه از لحاظ صوری با هم تفاوت‌هایی دارند لیکن از نظر محتوایی به مفاهیمی یکسان یعنی زندگی، مرگ، رستاخیز انسان‌ها و حیات جاودانه اشاره می‌کنند. حضور انواع مشابه نقوش گیاهی، فرشتگان، نشانه‌های مذهبی و عنصر طشت‌آب، حکایت از همین باورهای مشترک دارد. حجاران و سنگ‌تراشان ایرانی و ارمنی با استفاده از نقوش مختلف، توانسته‌اند به خوبی این معانی و مفاهیم را در حجاری قبور نشان دهند.

۳-۳ توجه به طبیعت و عناصر اربعه

طبیعت و عناصر چهارگانه آن از گذشته‌های دور نزد ایرانیان و سایر اقوام، ارزشمند و مقدس شمرده می‌شد. آب از جمله نمادهای بسیار رایج و با اهمیت در تمام فرهنگ‌ها است و با اسطوره‌های ازلی و سپیده‌دمان حیات و آفرینش گره خورده است. آب را چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز زندگی دوباره تعریف کرده‌اند (شوالیه، ۱۳۸۲، ۳). در آیین‌ها و ادیانی چون یهودیت، زرتشت، میترائیسیم، مسیحیت و اسلام، آب مظهري با نیروی کیهانی، شفادهنده، پاک‌کننده و نمادی از نور و روشنایی و آغاز آفرینش است. فرهنگ اسلامی نگرش کاملی به هستی داشته و طبیعت را نیز از نشانه‌های حکمت خداوند به شمار می‌آورد. در قرآن کریم ارزش معنوی و مادی آب و اینکه سرمنشأ تمام هستی است بارها تکرار شده است: «وجعلنا من الماء کل شیء حی» ما هر چیز را از آب زنده گردانیدیم (انبیاء: ۳۰). در ارمنستان کهن به مانند تمام تمدن‌های دیگر، تندیس‌هایی برای پرستش آب وجود داشت و پرستشگاه‌های مختلفی برای ایزد آب در نظر گرفته می‌شد. رود فرات از قدیم مورد تقدیس ارامنه بوده و آنان بر این باور بودند که هر که از این رود عبور کند انسانی خارق‌العاده می‌شود (نوری‌زاده، ۱۳۷۶، ۱۸۰-۱۷۰). زمین و خاک نیز مادر و خوراک بخشنده از آب‌های فرو ریزنده آسمان محسوب می‌شد. ایرانیان در دوره اشکانی و ساسانی مردگان را در تابوت‌های سفالی یعنی از عنصر خاک دفن می‌کردند و در برخی مناطق مردگان را به آب می‌سپردند. سنگ در تفکر بشری همواره نشان قدرت، تداوم و بی‌مرگی بوده است و نماد زمین-مادر را نیز به همراه دارد. ایرانیان گرچه سنگ‌پرست نبودند، اما از ایام کهن از صخره‌ها برای ساخت کاخ‌ها، معابد و آرامگاه‌ها بهره جستند.



تصویر ۳- طشت آب در ژاپن.
ماخذ: (www.AGS.org)



تصویر ۲- طشت آب در ترکیه.
ماخذ: (www.AGS.org)

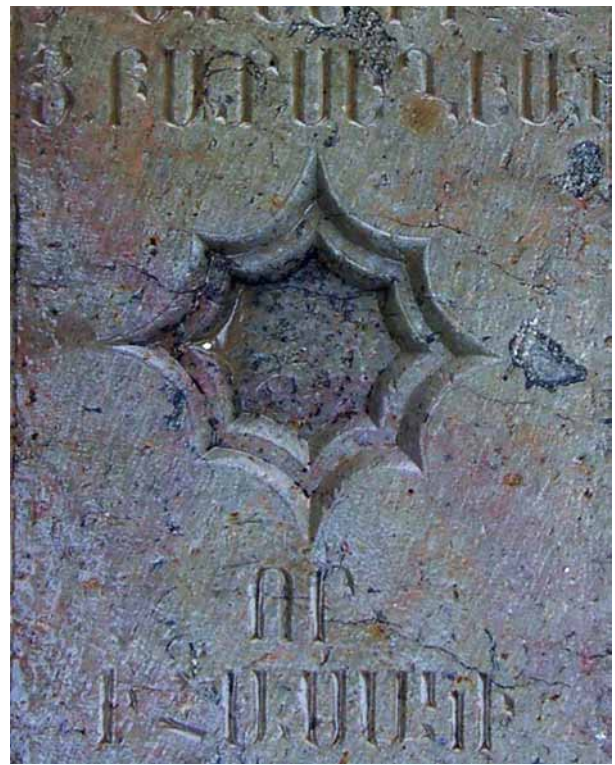
همچنین از توجه و احترام به عناصر اربعه ناشی می‌شود. اما به طور قطع در بستر هنر و آداب ایرانی-اسلامی، طشت آبها به نحو زیبایی تلطیف شده‌اند، به گونه‌ای که هم وجوه مادی و ظاهری و هم ابعاد معنوی طشت آبها به درستی لحاظ شده است.

۵- نگاهی به قبرستان‌های تخت فولاد و آرامنه اصفهان

جلفای اصفهان دارای قبرستان وسیعی است که قدیمی‌ترین سنگ قبر آن به تاریخ ۱۵۵۱م باز می‌گردد. این آرامگاه را موزه باز در زیر آسمان می‌خوانند چرا که از یک سو اقشار مختلف از جمله شخصیت‌های بزرگ آرامنه همچون خواجه‌های جلفا، تجار، هنرمندان و بسیاری از افراد سیاسی، فرهنگی و نام‌آوران در آنجا آرمیده‌اند و از طرف دیگر سنگ‌های قبور با نقش‌های متنوع و زیبا خودنمایی می‌کنند (میناسیان، ۱۳۸۳، ۹۸). مرگ با همه تلخی ظاهری‌اش، بازتاب زیبایی در «قبرستان آرامنه اصفهان» دارد. از یک سو میل به جاودانگی و حیات ابدی باعث شده تا آرامنه نیز مانند اغلب تمدن‌های کهن از عناصر مشترکی جهت نشان دادن و معنی بخشیدن به این تفکر بر روی قبورشان استفاده کنند. علاوه بر این، ویژگی‌های خاص ملی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی آرامنه در طول تاریخ مفهوم مرگ را در نقوش آنها متنوع کرده است. در این رهگذر، ارتباط آرامنه با

۴- طشت آب در ملل و فرهنگ‌های دیگر

هنرمند عصر سنت به یقین با تکیه بر خواسته‌های زمانه‌اش عمل می‌کرد. نمادهای رایج در اطراف حجار و سنگ تراش و باورهای دینی حاکم بر آنها و کارشان از پیش مشخص شده بود. در بستر سنت و مفاهیم مندرج در آن، نقوش و اشکال تعاریفی دارند که برای اغلب مردمان زمانه خود مانوس و آشنا است اما در گسست معرفتی عصر مدرن بود که نا آگاهی ما از سنت افزایش یافت. در باور حجاران و حتی خواسته‌های صاحبان متوفی، حجاری نقوش بر قبور چیزی جز سنت، دین و باورهای دینی نبود. نگرش ادیان به مرگ، زندگی و جهان پس از آن هر چه بود، بن‌مایه نمادها را تشکیل می‌داد. لذا اشکالی همچون گل و گیاه، سرو، فرشته، خورشید، آهوان و ماهی که از جمله سمبل‌های روشنایی و نامیرایی و زیبایی هستند، بر قبور حک می‌شدند. با توجه به باز دیدهایی که از آرامگاه اقلیت‌های مذهبی همچون آرامگاه آرامنه و یهودیان در اصفهان و سایر شهرها صورت گرفت و همچنین با تحقیقات بر روی منابع مختلف و جستجوهای اینترنتی و بررسی آرامگاه‌ها و سنگ قبور در سایر ملل، این نتیجه حاصل شد که طشت آبها منحصر به فرهنگ ایرانی-اسلامی نیستند و کمابیش در تمامی فرهنگ‌های کهن بخصوص مشرق زمین حضور دارند (تصاویر ۲ و ۳). وجه مشترک همه آنها حرکت به سوی نمادهای جاودان، نشان از پیوند فطرت آدمی در رویکرد به مسئله مرگ و حیات اخروی و میل به جاودانگی است و



تصاویر ۵ و ۴- طشت آب شمسهای، آرامگاه ارامنه و تخت فولاد.

گرفت (تصاویر ۴ و ۵). «اعتقاد کهن ایرانیان بر این بود که بین آب و روشنایی ارتباطی مطلق وجود دارد زیرا این دو از یک جنس و از یک چشمه هستند و در یک بستر روان می‌شوند» (بلخاری ۱۳۸۴، ۸۲). آب در زبان رمز عرفا نیز، رمز نور هستی است که در هر لحظه در سراسر جهان نفوذ و جریان دارد. در شمایل‌نگاری مسیحی، شعاع‌های خورشید نماد گرما، نور و باران هستند. یعنی هم به مانند آب، حیات‌بخشند و هم حقیقت‌اشیاء را آشکار می‌کنند. مسیح نیز خود خورشید عدالت خوانده می‌شود که بر جهان پرتو دارد (شوالیه، ۱۳۸۴، ۱۱۸).

۲-۶- طشت آب همراه با فرشتگان

فرشتگان در همه تمدن‌ها و ادیان به عنوان پیام‌آوران الهی، نگهبان و حامی بزرگان شناخته می‌شوند. از این رو نقش آنان در تزئینات معماری اسلامی و مسیحی از جمله آرامگاه‌ها بسیار پر رنگ است. در فرهنگ اساطیر ایران، برای آب صورت‌های مختلفی است که از آن جمله می‌توان به آبان و آناهیتا (ناهید) اشاره نمود که هر دو فرشته‌های نگهبان آب هستند. آبان فرشته آب و تدبیر و ناهید سرچشمه همه آب‌های زمین است (یاحقی، ۱۳۷۵، ۲۵). همچنین از دیدگاه فرهنگ و عرفان اسلامی، فرشته به عنوان رابط انسان با خدا و پیام‌آور انسان‌های مؤمن معرفی می‌شود. در فرهنگ و هنر مسیحی فرشتگان همواره گرداگرد مسیح و در تمامی وقایع زندگی وی از لحظه تولد تا هنگام مصلوب شدن و عروج تصویرسازی شده‌اند و در نقوش قبور نیز از این امر مستثنی نیستند.

بنا بر روایات انجیل، فرشتگان، سنگ‌قبر مسیح را کنار می‌زنند تا حاضرین مزار خالی وی را دیده و متوجه زنده شدن او شوند (اوسپنسکی،

مسلمانان در مقوله آرامگاه و سنگ قبور را نیز نباید نادیده گرفت. تمامی خصوصیات قبور اسلامی اعم از معماری و حجاری‌های نفیس خطوط و نقوش را می‌توان یکجا در مجموعه آرامگاهی «تخت فولاد اصفهان» مشاهده نمود. تخت فولاد اصفهان با مقبره منسوب به یوشع نبی، تاریخ این مکان مقدس را به اعصار کهن و باستانی می‌رساند، همچنانکه کتیبه‌ها و خطوط کوفی مکشوف در آن، این منطقه را از همان قرون اولیه اسلامی مهم کرده است. این آرامگاه هم از لحاظ تعداد تکایا، مشاهیر مدفون در آن و هم جلوه‌های هنری یکی از شاخص‌ترین‌ها در نوع خود می‌باشد (نیلفروشان، ۱۳۸۴، ۴-۱). از جمله ویژگی‌های قبرستان تخت‌فولاد و آرامنه اصفهان می‌توان به عدم پراکندگی قبور و تجمع فراوان آنها اشاره کرد. می‌توان پذیرفت که بخش عمده‌ای از این مسأله به ثبات نسبی و حیات شهری و ویژگی‌های فرهنگی-هنری اصفهان باز می‌گردد. در حقیقت پیوستگی‌های زمانی و مکانی در این دو آرامگاه بیش از دیگر قبرستان‌ها به چشم می‌خورد و گویی که هنرمندان حجار ارمنی و مسلمان یک آبشخور داشته و هدفی مشترک را دنبال کرده‌اند.

۶- بررسی تطبیقی طشت‌آبهای تخت فولاد و قبرستان ارامنه

۱-۶- طشت‌آبهای شمسهای (خورشیدی)

حجاری این نوع از طشت‌آبها، شمسهای شکل و چند لایه بوده و با جاری شدن آب درون آن، بسان خورشیدی خواهد شد که پرتوهای گرمابخش و حیات‌بخشش متوقی و زائر را در بر خواهد

حجّار به خوبی به این معانی توجه داشته و از نقش گل نیلوفر در بسیاری از طشت آبها استفاده کرده‌اند (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

۵-۶- طشت آب تُرنجی

ترنج از نقوش کهن ایرانی-اسلامی است که بیشتر برای تزئین جلد و صفحات کتب و نیز تزئین قالی و دیگر هنرهای سنتی و از جمله در حجّاری قبور به کار می‌رود. ترنج معمولاً لوزی یا بادامی شکل و گاه چهارگوش، بیضی یا گرد، همچون خورشید، ستاره یا گل‌های چند پَر است.

این نقش غالباً در وسط زمینه قرار می‌گیرد و داخل آن با برگ، گل و طرح‌های اسلیمی یا تصاویری از حیوان و انسان پُر می‌شود (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷، ۱۳۷). طشت آبهای ترنجی آرامنه و مسلمانان با اشکال متنوع، ما را به عالم معنا متصل کرده و بار دیگر مفاهیم روشنایی و حیات جاودان را بیان می‌کنند (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

۶-۶- طشت آب هندسی ساده

از دیگر طشت آبهای مشترک آرامنه و مسلمانان می‌توان به انواع طشت آبهای هندسی (دایره، مربع، چند ضلعی و...) با فرم ساده اشاره کرد که تعدّد آنها از دیگر نمونه‌های طشت آبها به مراتب بیشتر است (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

۶-۶- طشت آب زوجی

تعدادی از قبور آرامگاه تخت فولاد و همچنین قبور زوجی آرامنه با دو طشت آب (با فرم قرینه و غیر قرینه) حجّاری و تزیین شده‌اند (تصاویر ۱۶ و ۱۷). روابط خانوادگی و پیوند زناشویی در میان آرامنه

تعداد کثیری از نقوش فرشتگان همراه با صلیب، تاج پادشاهی، انواع نقوش گیاهی، کتاب قرآن و انجیل و طشت آب در قبور آرامنه و مسلمانان وجود دارد که هر یک به جایگاه قدسی و وظایف این موجودات اشاره دارند (تصاویر ۶ و ۷).

۳-۶- طشت آب محرابی

شکل محرابی اینگونه از طشت آبها دروازه و دریچه‌ای است رو به خداوند که انسان را از دنیای فانی به جهان باقی رهنمون می‌سازد و نشانه‌ای از درب بهشت است که متوقی از دنیای طبیعی و عالم برزخ عبور و به ملکوت وارد می‌شود. حضور صلیب و انواع ادعیه و آیات قرآنی در اطراف محراب ارزش قدسی به آن می‌بخشد و با جاری شدن آب در آن، مفهوم یک دروازه نورانی و روشن را تداعی می‌کند (تصاویر ۸ و ۹).

۴-۶- طشت آب به فرم گل نیلوفر

در فرهنگ اسطوره‌ای، آب نماد اقیانوسی بود که کیهان از آن آفریده شد و نیلوفری که روی آب در حرکت بود به مشابیه زهدان آن به شمار می‌رفت (هال، ۱۳۸۰، ۳۰۹). از طرفی نیلوفر در فرهنگ ایران باستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و برای آن جشن برگزار می‌شد. از کنار هم قرار گرفتن آب و نیلوفر دو ایزدمهر و ناهید پدیدار می‌شوند که ارتباط نزدیکی با هم دارند. در اساطیر ایرانی آناهیتا یا ناهید ایزد آب است و نماد آن گل نیلوفر می‌باشد و مهر (ایزد نور و روشنایی) خود از گل نیلوفر یعنی ناهید، زاده می‌شود (بلخاری، ۱۳۸۴، ۷۸-۸۱). در اساطیر ارمنی «آناهید» همان نقش آناهیتای ایرانی را دارد که ایزد بانوی باروری و ثمردهی است. «میهر» یا مهر نیز از دیگر ایزدان مهم ارمنستان است که نماد نیروی حیات بخش آتش است (نوری‌زاده، ۱۳۷۶، ۲۰۳). هنرمندان



تصاویر ۸ و ۹- طشت آب محرابی، آرامگاه آرامنه و تخت فولاد.



تصاویر ۶ و ۷- طشت آب با فرشتگان، آرامگاه آرامنه و تخت فولاد.

را استحکام بخشیدند. بر همین اساس، در بسیاری از سنگ قبرهای آرامنه قاب‌بندی زوجی (یک سنگ مزار برای زن و شوهر) در نظر گرفته شده و این قیور گاه با دو طشت‌آب و گاهی با یک طشت‌آب ارائه شده‌اند.

مسیحی مانند دیگر فرهنگ‌ها بسیار مستحکم و مقدّس است. چراکه اولاً اینان پیوند زناشویی خود را در مکانی مقدّس یعنی کلیسا آغاز می‌کنند که این امر تقدّس امر ازدواج را بالا می‌برد و از سوی دیگر آرامنه برای حفظ هویت قومی و دینی خود ابتدا باید روابط خانوادگی



تصاویر ۱۱ و ۱۰- طشت‌آب گل نیلوفر، آرامگاه آرامنه و تخت فولاد.



تصاویر ۱۲ و ۱۳- طشت‌آب ترنجی، آرامگاه آرامنه و تخت فولاد.



تصاویر ۱۴ و ۱۵- طشت‌آبهای ساده هندسی، آرامگاه آرامنه و تخت فولاد.



تصاویر ۱۶ و ۱۷- طشت آب های زوجی و قرینه‌ای، آرامگاه ارامنه و تخت فولاد.



تصاویر ۱۸ و ۱۹- طشت آب و سرو، آرامگاه ارامنه و تخت فولاد.

در قرون اول میلادی) نقش بسته بود، نمونه‌ای از آن در کنار طشت آبها و روی قبور ارامنه اصفهان به دست نیامد.

۶-۹- طشت آب با فرم قلب:

طشت آبها با هر فرم و نقشی در حقیقت قلب یک سنگ قبر هستند که حیات و زندگی را در آن ساری و جاری می‌سازند و این معانی زمانی به اوج خود می‌رسد که قلبی همراه با صلیب، نمادی از قلب مسیح در نظر گرفته شده و به طشت آب تبدیل شود. در اینجا خون عیسی همچون آب حیات، زندگی جاودان را نوید می‌دهد. طبعاً این شکل از طشت آبها فقط به قبور ارامنه اختصاص دارند (تصویر ۲۱).

۶-۱۰- طشت آب کشکولی:

کشکول این صندوقچه اسرار و نشان رضایت و قناعت، همراه با مزار در اویش، ایده و دستاویز خوبی برای هنرمند حجار مهیا

۶-۷- طشت آب و سرو

در فرهنگ یونان باستان و روم، سرو در ارتباط با خدایان زیرین است و از همین لحاظ در قبرستان‌ها ظاهر می‌شود و به خاطر سرسبزی همیشگی‌اش در بسیاری از فرهنگ‌ها از جمله ایران نمادی مرگی و حیات جاودانه می‌گردد (شوالیه، ۱۳۸۳، ۵۸۰). سرو که همواره نماد جاودانگی بوده با قرار گرفتن در کنار طشت آب و یاد نقش طشت آب، همچون سرو همیشه زنده نمایان شده و معنای پُر بارتری به خود می‌گیرد (تصاویر ۱۸ و ۱۹).

۶-۸- طشت آب و ماهی

طشت آب همراه با نقش ماهی از نمونه طشت آبهایی است که به آرامگاه تخت فولاد اختصاص داشته و معنای زندگی و حیات را بر قبور جاری می‌کند (تصویر ۲۰). ماهی نماد زاینده‌گی است و از نقوش کهن ارامنه نیز به حساب می‌آید. این نقش که از اوایل مسیحیت به عنوان نماد مسیحیان بر ورودی کاتاکومب‌ها (معابد و مقابر مخفی مسیحیان



تصویر ۲۱- طشت آب به فرم قلب، آرامگاه آرامنه.



تصویر ۲۰- طشت آب و ماهی، آرامگاه تخت فولاد.



تصویر ۲۲- طشت آب کشکولی، تخت فولاد.

نموده تا معدودی از طشت‌آبها معنای عرفانی و صوفیانه به خود گیرد. بهترین نمونه از این نوع طشت‌آب بر مزار خوشنویس نامدار، «درویش عبدالمجید طالقانی» قرار دارد (تصویر ۲۲). کشکول مهم‌ترین شیئی است که با زندگی درویش مرتبط است و با توجه به شکل خود، در فرهنگ و ادبیات عرفانی کشتی شراب‌قلندران معرفی شده است (ملکیان شیروانی، ۱۳۸۵، ۵۷). طبیعی است که این مفاهیم مربوط به فرهنگ ایرانی-اسلامی است و نباید انتظار وجود این نوع از طشت‌آبها را در آرامگاه آرامنه داشت.

نتیجه

تولد، حیات، مرگ انسان و در یک کلام تمام هستی را در بر می‌گیرند.

از طرفی شباهت‌های نقشی و فرمی طشت‌آبها، نزدیکی فرهنگی و هنری اقوام و باورهای مشترک دینی را متذکر می‌شوند. طشت‌آبها نه تنها با نمادهای مسیحی (همچون صلیب، بزه و قلب) بلکه با نقوش اسلیمی، هندسی، فرشتگان و دیگر عناصر نوشتاری تلفیق شده و همگی در راستای همین اشتراکات عمل می‌نمایند، بلکه اینگونه از عناصر، نوعی رقابت آشکار و پنهان در طراحی و حجاری میان هنرمندان آرامنه و مسلمانان را نیز حکایت می‌کنند. با توجه به آنکه تعدد و تنوع طشت‌آبها در قبور آرامنه نسبت به تخت‌فولاد بسیار بیشتر است، اما به طور قطع و یقین نمی‌توان گفت که در روند شکل‌گیری و خلق آنها، مسلمانان و فرهنگ ایرانی-اسلامی بر آرامنه تأثیرگذار بوده و یا هنرمندان و حجاران ارمنی با حضور در ایران به این روند کمک کرده‌اند. اما آنچه اهمیت دارد این است که طشت‌آبها در این دو فرهنگ با تفکری عمیق و توسط هنرمندان خوش ذوق، با ظرافت تمام بر قبور نقر گشته‌اند. تمامی مطالب ذکر شده، احترام به طبیعت و عناصر آن، توجه به سنت‌های کهن، اشتراکات فرهنگی و هنری اقوام و ضرورت پژوهش‌های بیشتر پیرامون این موضوعات را یادآور می‌شوند.

انسان همواره در یک وحدت معنوی با طبیعت قرار دارد. در جهان‌بینی انسان سنت‌گرا، آدمی با عالم تناظر و تقارن دارد. انسان برآمده از طبیعت است و به آن باز خواهد گشت. هنرمند سنت‌گرای ایرانی و ارمنی، طبیعت را با معیارها و تفکرات قومی و مذهبی خود هماهنگ و همراستا می‌کند تا هم به آن ارج نهاده و هم از آن بهره‌مند شود. لذا رو به آفرینش و ابداع آثار مختلف آورده و به انحاء گوناگون می‌کوشد در قالب یک اثر هنری و در سایه باورهای عامیانه، به این معانی شکل عینی ببخشد.

طشت‌آب به عنوان عنصر و هنری برخواسته از دل طبیعت و جهت تقدس طبیعت است که ماده اصلی خود را نیز از طبیعت یعنی سنگ می‌گیرد. سنگ این ماده پُر وفور که در تفکر انسان اولیه نمودی از جایگاه خدایان و ارواح شیاطین بود مأمون و ابزاری برای انسان شده و در نگهداری و تقدس دیگر عناصر طبیعت او را یاری می‌رساند. طشت‌آبهای تخت‌فولاد و آرامنه با اشکال زیبا و نمادین خود، نشانه‌ای از احترام به عنصر آب هستند که از طرفی زائر و متوفی و از سویی مرگ و حیات را به هم پیوند می‌دهند. این عناصر گرچه از چشمان انسان امروزی مهجور و ناشناخته مانده‌اند، اما چنانکه اشاره شد گذشته‌ای پر رمز و راز را در خود نهفته دارند و با معانی بس عمیق و متعالی، ما را به تفکر و جستجو و می‌دارند. مفاهیمی که در حقیقت

پی‌نوشت‌ها

بلخاری، حسن (۱۳۸۸)، اسرار مکنون یک گل، نشر فرهنگستان هنر، تهران.
 بور کهرت، تیتوس (۱۳۹۰)، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران.
 حشمتی رضوی، فضل‌الله (۱۳۸۷)، از فرش تا عرش، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 دادبه، منصور (۱۳۷۸)، سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان، نشر گله‌ها، اصفهان.
 دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۴)، ج ۱، آب حیات، تهران، صص ۳۸-۳۶.
 درآوانسیان، هراچ (۱۳۸۴)، کلیسای وانک اصفهان، نشر درآوانسیان، اصفهان.
 دیوبکو، مونیگ (۱۳۷۳)، رمزهای زنده‌جان، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
 دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، نشر دانشگاه هنر تهران.
 راوندی، مرتضی (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران، نشر ناشر، تهران.
 رضی، هاشم (۱۳۹۱)، جشن‌های آب، نشر بهجت، تهران.
 سرلو، خوان ادوارد (۱۳۸۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، نشر دستان، تهران.
 شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، نشر چیچون، تهران.
 کاپلستون، فردریک (۱۳۸۴)، تاریخ فلسفه ج ۱، نشر سروش، تهران.
 قوکاسیان، هراند (۱۳۵۲)، هنر و فرهنگ ارمنه ایران در زمان قدیم، مجله ارمنان، دوره ۴۲، شماره ۵، صص ۳۵۱-۳۴۸.
 مالا، بی‌ال (۱۳۸۸)، مجموعه مقالات طبیعت در هنر شرق، فرهنگستان هنر، تهران، صص ۳۰۹-۲۸۷.
 مرتضوی، میرمه‌دی (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی جلوه‌هایی از هنر اسلامی و مسیحیت، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
 مصطفوی، علی‌اصغر (۱۳۶۹)، اسطوره قربانی، نشر مصطفوی، تهران.
 ملکیان شیروانی، اسدالله (۱۳۸۵)، کشکول صفوی، کشتی شراب در تعالیم عرفانی، مطالعات صفوی-گزیده مقالات همایش پاریس، فرهنگستان هنر، تهران.
 مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۲)، مزارات اصفهان، تصحیح اصغر منتظرالقیام، نشر دانشگاه اصفهان.
 مولند، اینار (۱۳۸۰)، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، نشر امیرکبیر، تهران.
 میناسیان، لئون (۱۳۸۳)، تاریخ ارمنیان جلفای اصفهان در یکصد و چهل سال اخیر، نشر گلین، اصفهان.
 ناصری فرد، محمد (۱۳۸۸)، سنگ نگاره‌های ایران، نشر محمد رضا ناصری فرد، خمین.
 نراقی، ملا احمد (۱۳۸۵)، معراج السعاده، نشر طوبای محبت، قم.
 نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، طبیعت نزد متفکران اسلامی، نشر خوارزمی، تهران.
 نوری‌زاده، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ و فرهنگ ارمنستان، نشر چشمه، تهران.
 نیلفروشان، محمد رضا (۱۳۸۴)، تربت پاک- معرفی تخت فولاد اصفهان، نشر گلدسته، اصفهان.
 ورمازن، مارتین (۱۳۸۷)، آیین میترائیسم، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشر چشمه، تهران.
 هال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران.
 هنر فر، لطف‌اله (۱۳۴۵)، سنگاب‌های تاریخی اصفهان از دوره صفویه، ماهنامه هنر و مردم، بهمن ۱۳۴۵، صص ۲۰-۱۶.
 هوویان، آندرانیک (۱۳۸۴)، ارمنیان ایران، مرکز گفتگوی تمدن‌ها با همکاری نشر هرمس، تهران.
 هوویان، آندرانیک (۱۳۸۲)، ایرانیان ارمنی، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
 یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران.

www.khachkar.com

www.AGS.org

۱ واردآورد یکی از اعیاد دوره بت‌پرستی ارمنستان است که پس از پذیرش مسیحیت با برخی تغییرات در شمار اعیاد کلیسای ارمنیان قرار گرفت. در این عید مردم ارمنه به یکدیگر آب می‌پاشند، کبوتر می‌پراندند و مراسمی را هم جهت آبیاری گل‌ها انجام می‌دهند. این جشن از کهن‌ترین جشن‌های ایرانیان و ارمنه است که به جشن «تیرگان» یا «آب‌پاشان» نیز معروف است (هوویان، ۱۳۸۲، ۴۴).

۲ آب حیات، آب زندگی، آب حیوان یا آب جاودانگی چشمه‌های مفروض در ظلمات است که هر که از آن بنوشد یا سر و تن در آن بشوید جوانی را از سر می‌گیرد و جاودانه زندگی می‌کند. این تفکر پیشینه‌ای کهن دارد و در راستای تفکر به مرگ و چاره اندیشی برای آن زاده شده است (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی ج ۱، ۱۳۷۴، ۳۶-۳۸).
3 Cup Marks.

۴ جشن ناواسارد یا نوسرد از دیگر جشن‌های مشترک ایرانیان و ارمنه به معنای سال نو است. اصولاً این جشن در کنار رودخانه‌های بزرگ و مقدس برگزار می‌شد و ارمنه جشن‌هایی برای آراماد (پدر ایزدان ارمنی)، آناهیت (ایزدبانوی مادر و حاصلخیزی و باروری) و آستیک (ایزدبانوی زیبایی) برپا می‌ساختند (ایوزیان، ۱۳۸۳، ۶۵ و ۶۶).

۵ جشن درنزد، جشنی است که به یاد مسیح و رویت او از ابتدای مسیحیت ارمنه برگزار می‌شد. جشن درنزد همچنین از جشن‌های مشترک ایرانیان و ارمنه است که به جشن «سده» یا «آتش‌افروزی» هم معروف بوده و پس از مسیحیت در قالب جشن‌های مذهبی صورت گرفته است. ایرانیان باستان دهم بهمن مصادف با صدمین روز زمستان را جشن گرفته و آتش روشن می‌کردند که این رسم هنوز در بین زرتشتیان و ارمنه ادامه دارد.

۶ khachkar: در زبان ارمنی خاچ به معنی صلیب و کار به معنای سنگ می‌باشد. خاچکارها عمدتاً سنگ‌های بزرگ مستطیل شکل و ایستاده با ابعاد ۱×۲ متر هستند که روی آنها انواع صلیب و نقوش تزیینی و نوشتاری حک شده‌اند. صلیب سنگ‌ها هم برای افراد عادی و هم به یاد قهرمانان جنگی، قدیسان، عشاق ناکام و به مناسبت حوادث تاریخی با جنبه‌های ملی-مذهبی و نیز به جهت ذورات تقدیمی به کلیساها برپا می‌شدند. خاچکارهای قدیمی و پر نقش و نگار را می‌توان جزء ارزنده‌ترین نمونه‌های فرهنگ مادی و معنوی و زبردستی هنرمندان حجّار ارمنی از گذشته‌های دور تا کنون به حساب آورد (برای اطلاعات و تصاویر به سایت www.khachkar.com رجوع شود).

۷ شاخه‌ای از آیین مسیحیت در میان ارمنه که در قرن پنجم م توسط «گریگوری مقدس» باعث رواج مسیحیت در ارمنه گردید.

فهرست منابع

قرآن کریم.

انجیل.

تورات.

آزاد، میترا (۱۳۸۴)، بررسی تاریخی آتش در کتیبه‌ها و نیایشگاه‌های ایران باستان، مجموعه مقالات هم‌اندیشی عناصر طبیعت در هنر شرق، فرهنگستان هنر، تهران، صص ۲۶-۱.

ایوزیان، ماریا (۱۳۸۲)، جشن‌های مشترک میان ارمنیان و ایرانیان، نشریه پیمان، شماره ۲۸، صص ۶۵-۷۸.

احمدی، کامران (۱۳۸۸)، پیشینه ارتباط ایرانیان و ارمنه در تاریخ، نشریه پیمان، شماره ۴۷، صص ۱۰۲-۹۳.

اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، اسطوره بیان نمادین، انتشارات سروش، تهران.
 اوسپنسکی، لئونید و ولادیمیر لوسکی (۱۳۸۸)، معنای شمایل‌ها، ترجمه مجید داودی، نشر سوره مهر، تهران.

بابائیان، آنی (۱۳۸۶)، هنرهای جلفای نو، نشریه پیمان، شماره ۴۰، صص ۱۸۳-۱۶۸.

بلخاری، حسن (۱۳۸۳)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، نشر سوره مهر، تهران.